

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که عرض شد یک تتمه ای از کلام مرحوم آخوند باقی مانده است و آن تتمه این است: اگر خبر واحدی نقل خبر متواتر کرد یا نقل اجماع منقول بخبر متواتر کرد چه کار باید بکنیم؟

توضیح سوال: ناقل می رود و می بیند در یک مساله 10 نفر ادعای اجماع کرده اند و این را برای دیگری نقل می کند و می گوید در این مساله علما اجماع را نقل کرده اند؛ فرض کنید آقای حکیم به ما بگوید بسیاری از علما در این مساله ادعای اجماع کرده اند؛ این می شود اجماع منقول بخبر متواتر.

مرحوم آخوند می فرماید: وقتی آقای حکیم ادعای اجماع متواتر می کند اگر منقول الیه با آقای حکیم متحد المسلك باشد این کاشف از رای معصوم می شود اما اگر منقول الیه با ناقل متحد المسلك نباشد کاشفیت از رای معصوم پدید نمی آید.

نکته: عبارت مرحوم آخوند در کفایه در این قسمت بسیار مندمج و پیچیده است؛ ایشان در اینجا بحث اجماع را تمام می کند.

نکته: مرحوم تستری خیلی تالیفات گسترده ای ندارد اما وقتی به یک مساله ای می پردازد بسیار گسترده بحث می کند ایشان کتابی به نام کشف القناع عن وجوه حجیه الاجماع دارد، که خواندن این کتاب مفید به نظر می رسد.

استاد علیدوست: شما اگر کفایه، رسائل و عموم کتب اصولی را اگر نگاه کنید همین سبک را خواهید دید اما از نظر پژوهش این بحث، بحث عقیمی است چرا که باید دو مساله قبل از این مطرح می شد؛ مساله اول: اصلاً تحقق اجماع و کشف اجماع در یک مساله محقق می شود یا نه؟ مساله دوم: اگر کشف اجماع محقق است آیا کاشف از رای معصوم است یا نه؟ شبهات مخالفین چیست؟ ادله موافقین چیست؟ بعد بحث به اجماع منقول بخبر واحد برسد.

توضیح: کسی می گوید مگر امکان دارد اجماع محقق شود مگر کسانی که اتفاق کل را در اجماع لازم می دانند این اجماع محقق می شود؟

صاحب حدائق وقتی می خواهد اجماع را کنار بزند می گوید: چه زمان میسر است که یک نفر اتفاق همگان را به دست بیاورد؟

با وجود کشورهای مختلف، زمان های مختلف، دأب برخی از علما بر سکوت و... چگونه اجماع محقق می شود؟ اگر ما تحقق

اجماع را پذیرفتیم و کاشفیت آن را هم پذیرفتیم سپس نوبت به این می رسد که اجماع منقول بخبر واحد حجت است یا نه؟

نکته: جناب آخوند روی اینکه خبر حدسی باشد یا حسی خیلی حساب باز کرد و فرمود: اگر ناقل رای معصوم عن حس رای معصوم را نقل کند ما می پذیریم اما اگر ناقل، عن حدس نقل کند وقتی سودمند است که مسلک ناقل و منقول الیه یکی باشد و بعد خبری را که مشتبه عن حس و عن حدس بود نقل کند و بعد عقلاً را به میان آورد که عقلاً به اخبار حسی عمل می کنند و... اما اگر کسی تاسیس جدید بکند و بگوید در نزد عقلاً معیار حدس و حس نیست بلکه معیار این است که قول ناقل چقدر به واقع اصابت می کند یا نمی کند؟

توضیح: شخصی مساله گو است و نظر علما را نقل می کند این عن حس نقل می کند اما یک پزشک غالباً عن حدس نقل می کند و... حال اگر ما 10 مرتبه تجربه کردیم که دکتر درست نسخه می پیچد و... در این صورت ما به حرف پزشک عمل می کنیم اگرچه که حدسی باشد؛ و لذا در اینجا هم مثل بحث های سابق معیار اطمینان است.

الحمد لله رب العالمين